

مقایسه مراجع قضاوتی ورزش ایران با مراجع قضاوتی فرا ملی ورزش

نادر شکری^۱ - فرامرز عطریان^۲ - مسعود راعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

چکیده:

با توجه به ساختار نهادهای ورزشی، مراجع قضاوتی مختلف برای رسیدگی به تخلفات و حل و فصل اختلافات بکار گرفته می‌شود. با وجود قواعد خاص جهانی رشته ورزشی در قوانین کشورها، ارائه دادرسی منصفانه با مشکلات روبرو است. سوال آن است که آیا با وجود مقررات مربوط به دادرسی حاکم، ورزش از مکانیزم‌های دیگر مراجع قضاوتی بهره برده است؟ در این مقاله به ساز و کارهای مختلف دادرسی در ورزش به مقایسه نظام قضاوتی فراملی پرداخته‌ایم. علیرغم تشدد در قوانین، سیستم‌های قضایی و اصول دادرسی، علاوه بر محاکم عام قضایی ملی، مراجع قضاوتی غیر قضایی ملی و فراملی ورزش به کار گرفته شده است. به رغم توسعه شیوه‌های حل و فصل اختلافات در مراجع بین‌المللی، قوانین و مقررات در خصوص سازوکارهای دادرسی غیرقضایی با خلاءهای فراوانی مواجه است.

واژگان کلیدی: قضاوتی، دادرسی، حکمیت، انضباطی

^۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
nadershokri_partoa@yahoo.com

^۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران: نویسنده مسئول
atrian.f.1001@gmail.com

^۳- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
masoudraei@yahoo.com

مقدمه

«مراجع» (به مفهوم عام) جمع مرجع می‌باشد که در لغت به مفهوم «آنکه در امور بدو رجوع کنند» آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۳۹۹۶)

«مراجع قضاوتی» بطور اعم به مراجعی گفته می‌شود که بموجب قانون تشکیل شده و به دعاوی، جرائم و اموری که در صلاحیت آنها است رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌نماید. بنابراین، مراجع قضاوتی نه تنها شامل مراجع قضایی (حقوقی و کیفری) می‌شود بلکه مراجع اداری را نیز در بر می‌گیرد. (شمس، ۱۳۹۶: ۲۸)

با تعریفی که در بالا ارائه شد، «مراجع قضاوتی در ورزش» بطور اخص به مراجع رسیدگی کننده به دعاوی، جرائم، تخلفات و حل و فصل اختلافات در محیط ورزش اعم از داخلی و بین-المللی همچون محاکم دادگستری، دیوان عدالت اداری، کمیته‌های انضباطی و اخلاق و هم-چنین مراجع حل و فصل اختلافات و داوری (حکمیت) اطلاق می‌شود. مراجع قضایی شامل دادگاه‌های عمومی اعم از حقوقی و کیفری و نیز مراجع اختصاصی دادگستری و غیر دادگستری می‌شود که در امورات مربوط به ورزش به این مراجع رجوع می‌شود. همچنین، کمیته‌های انضباطی و اخلاق که در فدراسیون‌های ورزشی تشکیل می‌شوند به عنوان نهادهای مستقل رسیدگی کننده به تخلفات و بی انضباطی‌های خاص ورزشی می‌باشند. تعریفی از «تخلفات ورزشی» در نظام حقوق ورزشی ایران مشاهده نشده است لیکن تخلفات ورزشی که رسیدگی به آنها در صلاحیت کمیته‌های انضباطی و یا اخلاق می‌باشند را می‌توان عمل خارج از ضوابط و مقررات و عرف ورزشی و عمومی شخص ورزشکار یا مربی و یا اصحاب ورزش در محیط و حتی خارج از آن، که ورزشکار مرتکب می‌شود بیان نمود.

از سوی دیگر، در عرصه ورزش در صورت بروز اختلافات حقوقی، می‌توان به نهاد داوری (حکمیت) رجوع نمود. دعاوی حقوقی ورزشی همچون نقل و انتقال بازیکنان، حق پخش، اسپانسر (حامیان مالی) و تبلیغات را می‌توان از طریق داوری حل و فصل نمود. ارجاع این امور به داوری، نه تنها دعوا را سریعتر و با هزینه کمتر فیصله می‌دهد بلکه امکان استفاده از داور یا هیات داوری متخصص در این زمینه را فراهم می‌کند. داوری به عنوان یک نهاد باید با مکانیزم حل و فصل منازعات قضائی متمایز شود.

در این مقاله سعی شده است تا با بررسی این مراجع قضاوتی قضایی، غیر قضایی و اداری و همچنین سایر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات، با روش‌های مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و همچنین مطالعه و بررسی تجربیات و رویه‌های قضایی با نگاهی به مراجع قضاوتی فراملی،

وضعیت و صلاحیت مراجع قضاوتی در ورزش کشور تبیین گردد.

دادگاه‌های عمومی حقوقی

مطابق ماده دهم (۱۰) قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی و امور حقوقی (غیر کیفری) را دارد، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری تعیین کرده باشد.^۱ دادگاه‌های عمومی حقوقی صلاحیت رسیدگی به اختلافات از جمله نقص تعهدات قراردادی در ورزش را دارند و هر شخص می‌تواند جهت احقاق حق خویش به این مرجع رجوع نماید. در صورت بروز اختلاف در قراردادهای از جمله مطالبات مربوط به حق پخش، امور ورزشگاه‌ها و باشگاه‌ها همچون حق الزحمه بازیکنان و مربیان، مرجع صالح دادگاه‌های عمومی حقوقی هستند.

سوالی که مطرح می‌گردد آنست که با توجه به ماهیت مستقل مقررات جهانی ورزش، چنانچه مربیان ورزشی خارجی با یکی از فدراسیون‌های ورزشی ملی در ایران قراردادی منعقد نمایند، در صورت بروز اختلاف، کدام مرجع صلاحیت رسیدگی دارد. مراجع عمومی حقوقی ایران، مراجع قضاوتی مستقر در فدراسیون‌ها و یا دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزش؟ آنچه که مسلم است بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی، مراجع قضایی عمومی ایران صالح به رسیدگی است. لیکن، از آنجایی که مقررات دادگاه حکمیت ورزش در ورزش جنبه آمره دارد و همه اعضای جامعه ورزشی از جمله فدراسیون‌های بین‌المللی و ملی موظف به تبعیت از آن هستند، لذا در این خصوص صلاحیت دادگاه بین‌الملل ورزش محرز است و شرط خلاف آن در قرارداد نیز معتبر نخواهد بود. در پرونده آقای مالارا، مربی ایتالیایی واترپلو، قراردادی با فدراسیون شنای ایران جهت انجام مربیگری تیم ملی به مدت چهار سال منعقد می‌نماید. با این شرط که چنانچه فدراسیون بصورت یک طرفه قرارداد را خاتمه دهد مکلف است کلیه مبلغ قرارداد چهار ساله را به وی پرداخت نماید. بعد از یک سال، فدراسیون نسبت به خاتمه قرارداد با وی اقدام نمود. بنابراین، مالارا به دادگاه بین‌المللی ورزش CAS مراجعه و اقامه دعوی نمود. فدراسیون شنای ایران با استناد به یک بند از قرارداد که طرفین را مکلف می‌کرد در صورت بروز اختلاف مکلف به مراجعه به دادگاه‌های ایران هستند در آن مرجع دفاع نمود. دادگاه بین‌الملل ورزش این دفاع را نپذیرفت و اقدام به رسیدگی و صدور رای نمود.

^۱- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی

دادگاه‌های عمومی کیفری

مطابق تبصره (۳) ماده (۲۹۶) قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های عمومی جزایی به دادگاه‌های کیفری یک و کیفری دو تقسیم می‌شوند.^۱ رسیدگی به کلیه جرائمی که در ورزش اتفاق می‌افتد از جمله جرائم ناشی از حوادث ورزشی که منتهی به جرح، نقص عضو و یا فوت شود در دادگاه‌های عمومی کیفری است. به عنوان مصادیق بارز طرح شکایت در مراجع کیفری می‌توان به شکایت تیم فوتبال صنعت نفت آبادان علیه محمد دادکان رییس اسبق فدراسیون فوتبال در دادگاه کیفری کارکنان دولت اشاره کرد. شکایت مبنی بر تمرد و جلوگیری از اجرای دستور موقت صادره از شعبه دهم دیوان عدالت اداری دایر بر برگزاری بازی بین تیم صنعت نفت آبادان و راه آهن که زمان انجام این بازی در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۴ در شهرستان تبریز بوده است، اما دستور موقت مذکور در بیست و چهارم مرداد صادر شده که در زمان صدور، رای شورای عالی انضباطی اجرا شده بود و دستور موقت صادره مبنی بر جلوگیری از انجام بازی-های باشگاه فقط در لیگ برتر نبوده است تا فدراسیون فوتبال از انجام بازی‌های تیم راه آهن در این لیگ جلوگیری بعمل آورد. (به نقل از روزنامه قدس، چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۵، شماره ۵۳۹۹) از جمله موضوعات بسیار مهم در خصوص رسیدگی به شکایات مربوط به حوادث ناشی از عملیات ورزشی که منتهی به ایراد صدمه، و حتی فوت می‌گردد، حکم قانونگذار در بند ۳ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است. در این قانون با فرض رعایت مقررات و همچنین شرعی بودن ورزش، آن را از عوامل موجهه جرم تلقی نموده است.

دیوان عدالت اداری

«دیوان عدالت اداری» را می‌توان تنها مرجع عمومی اداری و در عین حال عالی‌ترین مرجع اداری ایران دانست، زیرا اگر چه مراجع اداری دیگری نیز در ایران تشکیل گردیده‌اند اما چون تنها به اموری رسیدگی می‌نمایند که دقیقاً احصاء شده‌اند باید آنها را مراجع اختصاصی اداری به شمار آورد. (شمس، ۱۳۹۶: ۵۳) بموجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه پیش بینی شد.^۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

^۱ - قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ مجلس شورای اسلامی

^۲ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۲/۰۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام است. دیوان عدالت اداری عالی‌ترین مرجع قضایی است که صلاحیت رسیدگی به شکایت شهروندان علیه دولت، شهرداری‌ها و تأمین اجتماعی و نهادهای انقلابی و همچنین اعتراضات نسبت به آراء مراجع شبه قضایی را دارد.

در هر جامعه‌ای روابط اجتماعی گوناگونی وجود دارد مانند روابط بین مأمورین وصول مالیات و مؤدیان، کارگران و کارفرمایان، خریداران، و فروشندگان و... حقوق به مفهوم مجموعه‌ای از قواعد، بر این روابط حکومت می‌کند. در این میان مقامات عمومی و اداری در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات اداری آزاد نیستند. مقامات اداری مکلف به احترام به کلیه قواعدی هستند که بر آنها حکومت دارند. اصل قانونی بودن مبنای تشکیل، اقدام و فعالیت اداره است. بر این اساس، کلیه فعالیت‌ها و اقدامات اداری در چارچوب قانون اعمال گردیده و باید مبنای قانونی داشته باشد. (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۶) در هر حال باید تضمینی وجود داشته باشد که دولت فراتر از قانون یا قواعد مربوط حقوقی عمل ننماید و اشخاص خصوصی بتوانند از طریق مراجع صالح، عندالاقضاء ضمانت اجراهای لازم را اعمال نمایند. (شمس، ۱۳۹۶: ۵۳) وجود نهادهایی که به شکایات افراد جامعه نسبت به دستگاه‌های دولتی، مقامات و کارکنان آن رسیدگی کنند محصول نهضت قانون‌گرایی است. (امامی، استوار سنگری، ۱۳۹۴: ۱۵۹)

الف) صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری

ماده دهم قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تحت عنوان صلاحیت و حدود و اختیارات دیوان تنظیم شده است. با مراجعه به این ماده، موضوعاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت شعب دیوان است به این شرح است:

(۱) رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان‌های اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

ب) تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای مذکور در بند الف) در امور راجع به وظایف آنها.

(۲) رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده صدم قانون شهرداری‌ها، منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالف با

آنها.

۳) رسیدگی به نظامات قضات، مشمولین قانون استخدام کشوری، سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند یک و مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشگری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی. سوالی که مطرح می‌گردد آنست که آیا امکان طرح شکایت علیه فدراسیون‌های ورزشی به استناد ماده ۱۰ قانون دیوان مذکور وجود دارد؟

می‌توان گفت از آنجایی که فدراسیون‌های ورزشی بموجب قانون الحاق بندهای یازدهم و دوازدهم به قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۶، «نهاد عمومی غیردولتی» می‌باشند، لذا امکان طرح شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به تصمیمات و اقدامات فدراسیون‌ها مستند به بند یکم ماده دهم قانون دیوان عدالت اداری متصور نیست. لیکن فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها می‌توانند از مراجع مذکور در ماده دهم در دیوان عدالت اداری طرح شکایت کنند.

در این خصوص به پرونده‌ای در دیوان عدالت اداری اشاره می‌شود. پس از برگزاری انتخابات در آبان ۹۳ برخی از کاندیداهای حاضر در این انتخابات نسبت به دلیل دو شغله بودن یکی از کاندیدای منتخب فدراسیون تیراندازی اعتراض داشتند و در نهایت با ارائه شکواییه‌ای به دیوان عدالت اداری خواستار ابطال انتخابات شدند که دیوان عدالت اداری نیز به موضوع ورود کرد و یکی از شعبه دیوان عدالت اداری در ۱۴ مرداد ۹۴ رای به ابطال انتخابات ریاست فدراسیون تیراندازی بر علیه وزارت ورزش و جوانان به عنوان مجری انتخابات و فدراسیون تیراندازی صادر و ابلاغ کرد. رای صادره مورد اعتراض وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون تیراندازی قرار گرفت و در نهایت تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در ۲۵ اسفند ۹۴ در رای صادره با اشاره به ماهیت غیردولتی بودن فدراسیون تیراندازی اعلام کرد که رای بدوی صادره علیه فدراسیون تیراندازی خارج از صلاحیت دیوان بوده اما رای بدوی به طرفیت وزارت ورزش و جوانان به عنوان مجری انتخابات فدراسیون تیراندازی همچنان به قوت خود باقی است.

با توجه به صراحت اعلام نظر شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در خصوص قطعی بودن رای تجدیدنظر و همچنین تایید ابطال انتخابات فدراسیون تیراندازی به دلیل دو شغله بودن یکی از کاندیدا در زمان برگزاری انتخابات و همچنین با توجه به تاکید دیوان عدالت اداری بر ابقای رای صادره علیه وزارت ورزش و جوانان، وزارت ورزش به عنوان مجری انتخابات فدراسیون-های ورزشی چاره‌ای جز ابطال انتخابات ۲۶ آبان ۹۳ فدراسیون تیراندازی نداشته است.

(به نقل از خبر گذاری خبر آنلاین، ۳ مهر ۹۵)

بنابراین، از آنجائیکه کمیته های انضباطی و اخلاق در فدراسیون ها بعنوان مراجع شبه قضائی تلقی می شوند لذا امکان طرح شکایت از آراء و تصمیمات قطعی صادره از این مراجع در شعب دیوان وجود دارد. همچنان که فدراسیون ها نیز می توانند نسبت به آراء قطعی صادره از مراجع شبه قضائی همچون کمیسیون های مالیاتی، هیأت های حل اختلاف کارگر و کارفرما طرح شکایت نمایند. در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده صادر می نماید.^۱

ب) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

بموجب ماده دوازدهم قانون دیوان عدالت اداری، حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح ذیل است:

رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولت و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات، تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود.

صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد. صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.

بنابراین کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی می توانند از تصمیمات عام الشمولی که توسط فدراسیون ها، کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش و جوانان، هیأت وزیران، شهرداری ها، شوراهای اسلامی شهرها و ... در حیطه ورزش می گیرند در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شکایت نمایند. در رویه قضائی دیوان عدالت اداری در سال های اخیر آراء متعددی در خصوص نقض تصمیمات مقامات وزارت ورزش و جوانان مشاهده می شود.

کمیته انضباطی فدراسیون های ورزشی

یکی از مراجع قضاوتی اداری که بموجب قوانین و مقررات ورزشی ایجاد شده، «کمیته انضباطی» فدراسیون های ورزشی است که با اختیارات حاصل از بند پنجم ماده هشتم قانون

^۱ - قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام

تأسیس سازمان تربیت بدنی^۱ در هر یک از فدراسیون‌های ورزشی تشکیل گردیده است. آئین نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴ سازمان تربیت‌بدنی^۲ به عنوان زیربنای تأسیس کمیته‌های انضباطی محسوب می‌گردد. اگر چه در حال حاضر با توجه به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۹، سازمان تربیت بدنی به وزارت ورزش و جوانان تغییر یافته است. بر این اساس با فرض نسخ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی مصوب ۱۳۵۰، آیین نامه‌های منبعث از این قانون نیز نسخ شده تلقی می‌گردد. اما با توجه به اینکه متعاقب تصویب قانون تاکنون هیچ قانون و یا مقررات جدیدی در این خصوص به تصویب نرسیده است و از سوی دیگر هیچ مقرره‌ای مبنی بر نقض این آئین‌نامه به تصویب مراجع ذیربط نرسید لذا به نظر می‌رسد این آئین‌نامه کماکان به قوت خود باقی است. در عمل نیز وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی در حال حاضر از این آئین‌نامه جهت رسیدگی به تخلفات ورزشی استفاده می‌کنند.

کمیته اخلاق فدراسیون‌های ورزشی

با بررسی در قوانین و مقررات موجود ورزش کشور، در خصوص تشکیل کمیته اخلاق در فدراسیون‌های ورزشی ایران هیچ ضابطه مصوبی مشاهده نگردیده است. لیکن، علیرغم فقدان نص قانونی برای تشکیل این مرجع قضاوتی در ورزش کشور، فدراسیون فوتبال ایران نسبت به تهیه و تدوین دستورالعمل کمیته اخلاق اقدام نموده است و بر اساس آن به رفتارهای دور از شأن ورزشی و خلاف منشور اخلاقی ورزشکاران رسیدگی و حکم صادر می‌نماید. لیکن، با توجه به اصل قانون بودن جرایم و مجازات‌ها، از آنجایی که هرگونه محرومیت افراد می‌بایست بر اساس نص قانونی صورت پذیرد، در خصوص صلاحیت این کمیته و احکام صادره از سوی آن - که از جرمه تا محرومیت را نیز شامل می‌شود - تردید وجود دارد.

البته از نظر حقوق بین‌الملل ورزش، کمیسیون اخلاق IOC بعنوان یک مرجع قضاوتی شناخته شده در ورزش که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد، ساختار دائمی است که جنبش المپیک را در مورد اصول اخلاقی المپیک یاری می‌دهد. اهم فعالیت‌های این کمیسیون عبارتند از:

۱- اصول اخلاقی را تدوین و روز آمد می‌کند. به ویژه ضوابط اخلاقی را که مبتنی بر ارزش‌ها و اصولی است که در منشور المپیک ارج نهاده شده است.

۲- در مواقع ضروری یا به دستور ریاست IOC تحقیقاتی را درباره شاخه‌هایی از اخلاق انجام

۱- قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی مصوب ۱۳۵۰ مجلس شورا

۲- آئین نامه انضباطی مسابقات ورزشی مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۱۸ سازمان تربیت بدنی

می‌دهد. پیشنهاداتی برای اقدامات یا دستورات به هیأت اجرایی IOC و یا اجلاس IOC مطرح می‌کند.

۳- به افرادی که در جنبش المپیک هستند کمک می‌کند تا قوانین و اصول اخلاقی را درک کنند و به کار برند.

کمیسیون اخلاق IOC نمی‌تواند شکایات را به خود ارجاع دهد اما می‌تواند ریاست IOC را از وجود مسئله آگاه سازد. کمیسیون اخلاق، شکایات را از اعضای خانواده المپیک (به ویژه اعضای IOC و NOC ها، فدراسیون‌های ملی یا بین‌المللی و یا شرکت کنندگان در بازی‌های المپیک) و یا هر شخصی که به ادعای تخلف قانونی ارتباط دارد دریافت می‌کند. شکایت به صورت خودکار برای ریاست IOC برای تجزیه و تحلیل و بازگشت احتمالی پرونده به کمیسیون اخلاق برای گرفتن توصیه فرستاده می‌شود.

وقتی پرونده‌ای به کمیسیون اخلاق ارجاع می‌شود، احتمالاً تحت مسئولیت گزارش دهنده پرونده آن آماده می‌شود. کمیسیون برای آگاهی از وضعیت، از هر کسی که ضروری بداند کسب اطلاع می‌کند. صحبت‌های هر فرد یا سازمان مربوطه شنیده می‌شود. کمیسیون اخلاق می‌تواند هر اقدام مفیدی را به عنوان یادآوری قوانین پیشنهاد دهد. کمیسیون می‌تواند پیشنهاد تحریم بدهد - و چنانچه در ماده ۲۲ منشور المپیک تعیین شده است - می‌تواند از اخطار تا اخراج یا پس گرفتن اجازه شرکت در بازی‌های المپیک را صادر کند. (راجر جکسون و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸)

داشتن سازمانی دائمی برای بکار بستن ضوابط اخلاقی یا مقررات همیشه ضروری نیست. آنچه مهم است امکان دادن به سازمان برای تشکیل کارگروهی در موارد نیاز است. در همه موارد باید استقلال و صلاحیت سازمان محترم شمرده شود. (همان: ۱۵۱) بدیهی است جای این مرجع در ورزش کشور خالی است. به غیر از فدراسیون فوتبال ایران، در هیچ فدراسیونی این مرجع شناسایی نشده است. شایان ذکر است کمیسیون اخلاق کمیته ملی المپیک ایران از سال ۹۶ تشکیل گردید لیکن تاکنون هیچ ضابطه‌ای برای رسیدگی موارد به این مرجع به تصویب نرسیده و عملاً این کمیسیون از حیث رسیدگی قضاوتی اقدامی بعمل نیاورده است.

نهادهای داوری (حکمت)

«داوری» عبارت است از حل و فصل اختلافات در خارج از دیوان به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آنها را بدین جهت انتخاب نموده باشند. (شمس، ۱۳۹۰: ۵۰۳) همچنین، داور

کسی است که سمت قضا در دستگاه دولتی ندارد ولی در مراجعات بالقوه یا بالفعل رسیدگی قضایی کرده و فصل خصومت نموده و رای می‌دهد. رای نیز به معنای تصمیم قاضی یا داور در فصل خصومات است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۷۷)

در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ به حکمیت (داوری) اختصاص داده شده بود. در اسفند ۱۳۰۶ شمسی قانونی با عنوان قانون حکمیت در ۱۷ ماده به تصویب رسید و جایگزین مواد فوق که داوری را به اختیار طرفین قرارداده بود گردید. مجدداً در بهمن ۱۳۱۳ این قانون صریحاً نسخ شد و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون فوق الاشعار کماکان منسوخ باقی ماند. تا اینکه در سال ۱۳۱۸ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی به تصویب رسید. در این قانون مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰ به داوری اختصاص یافت و در نهایت قانون اخیرالتصویب آیین دادرسی مدنی مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ را به داوری اختصاص داده است که کماکان پا بر جاست.

«داوری» یکی از نهادهای غیر دولتی حل و فصل اختلافات در ورزش است. در عرصه ورزش، در صورت بروز اختلاف طرفین می‌توانند به نهاد داوری رجوع نمایند. این مرجع، از نهادهای خصوصی است که در ماده ۴۵۴ به بعد قانون آیین دادرسی به آن پرداخته شده است.

اصولاً تمامی دعاوی حقوقی قابلیت طرح نزد داور (حکم) را دارند مگر آنکه قانونگذار آن را مستثنی کرده باشد. از آنجایی که به لحاظ ماهیت و خصوصیت ورزش، موضوعات ورزشی واجد جنبه اخلاقی است، این مرجع مهمترین و بهترین محل برای رفع اختلافات در حوزه ورزش تلقی می‌گردد. بدیهی است، تخصص یک حکم حقوقی در امر ورزش نقش بسزایی در حل و فصل مطلوب، دقیق و کم هزینه در دعاوی ورزشی خواهد داشت.

متأسفانه، به رغم استفاده از نهاد داوری در رفع منازعات ورزشی بین‌المللی، در ورزش کشور از آن بهره اندکی برده شده است. برای رفع این نقیصه، می‌بایست نقش و جایگاه داوری را در سیستم حقوق ورزشی کشور پررنگتر نمود. علیرغم تلاش بعمل آمده از سوی کمیسیون حقوق ورزشی کمیته ملی المپیک جهت تاسیس این نهاد ورزشی که منتهی به اخذ مصوبه از هیات وزیران با عنوان «مصوبه الحاق بند ۲۳ به ماده ۳ اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران» با این مضمون: «مشارکت در ایجاد موسسه داوری ورزش با همکاری کمیته ملی المپیک و سایر فدراسیون‌ها برای امکان حل اختلاف باشگاه‌های ورزشی و ورزشکاران و فدراسیون‌ها و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط با استفاده از راهکارهای داوری با رعایت آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» گردید، متأسفانه تاکنون این مرجع در کشورمان شکل نگرفته و هیچ اراده‌ای برای تشکیل این نهاد ورزشی از سوی وزارت ورزش و

جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی به چشم نمی‌خورد. از نظر حقوق تطبیقی، «دادگاه حکمیت برای ورزش» (CAS)^۱ که به نام فرانسوی خود نیز شناخته می‌شود (TAS)^۲ توسط کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۸۴ ایجاد شد. دفتر مرکزی CAS در لوزان سوئیس واقع شده و از دو زبان انگلیسی و فرانسوی برای داوری استفاده می‌کند. CAS اساساً به این دلیل طراحی شد که تنها منازعات مربوط به المپیک را بشنود. اما در طول سال‌های گذشته این سازمان حوزه فعالیت قضاوتی خود را به رقابت‌ها و رویدادهای ورزشی همچون بازیهای مشترک المنافع و رقابت‌های قهرمانی اروپا گسترش داده است. (نافزیگر، ۲۰۰۴ : ۸۵)

در سال ۱۹۹۴ ساختار سازمانی و مدیریتی CAS به ICAS^۳ واگذار شد. ICAS نهاد مافوق CAS می‌باشد. وظیفه اصلی ICAS تضمین استقلال CAS و حفظ حقوق اطراف مراجعه کنندگان به آن می‌باشد، لذا مدیریت و تأمین مالی CAS بر عهده ICAS است. رویه‌ای که CAS موظف به رعایت آن در داوری پرونده‌های مطروحه می‌باشد در کدهای داوری ورزشی تبیین شده است که آخرین نسخه آن از اول ژانویه ۲۰۱۶ بوده و متن آن در وب سایت رسمی CAS قابل دسترسی است.^۴ همچنین قانون قابل اعمال برای تعیین اختلاف، قانون سوئیس است مگر آنکه طرفین بر سر قانون دیگری توافق نمایند. همچنین طرفها می‌توانند به CAS اجازه دهند تا بر اساس «صرفه و صلاح»^۵ به اختلاف رسیدگی نمایند.^۶ تجدید نظر از تصمیمات فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی توسط بخش استیناف CAS مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

آراء صادره توسط CAS مانند سایر آراء داوری از نظر حقوقی و به طور کلی مطابق قواعد حقوق بین‌المللی خصوصی به طور خاص طبق مفاد کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آراء داوری مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ م قابل اجرا می‌باشند. بعلاوه CAS مطابق کنوانسیون اروپایی شناسایی شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مورد شناسایی قرار گرفته است. آراء صادره توسط CAS قانوناً می‌تواند در دیوان فدرال سوئیس (شهر لوزان) توسط طرف ناراضی و تحت شرایط استثنائی بر طبق مفاد ماده (۲) ۱۹۰ قانون فدرال سوئیس

1 - The Court of Arbitration for Sport (CAS)

2 - Tribunal arbitral du sport (TAS)

3 - The International council of Arbitration for sport (ICAS)

4 - www.Tas/Cas.org

5- ex aequo et bono

6 - Article R45 of the Code of Sports- related Arbitration.

در مورد حقوق بین‌المللی خصوصی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۸۷ مورد تجدید نظر قرار گیرند. ترجمه ماده فوق به شرح ذیل است:

الف) اگر تک داور خارج از مقررات منصوب گشته یا محکمه داوری خارج از تصورات تشکیل شده باشد.

ب) اگر محکمه داوری در خصوص مسایل فراتر از دعاوی ارجاع شده رأی می‌دهد یا در خصوص یکی از این مسایل رأی ندهد.

ج) اگر برای طرف‌ها یا حق استماع آنها در رسیدگی رعایت نشود.

د) اگر رأی با سیاست عمومی سوئیس ناسازگار باشد.

در عمل مورد (د) مهمترین مورد می‌باشد چرا که CAS باید در هر مورد مطمئن شود که

طرفین از استماع منصفانه برخوردار می‌شوند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۰۱)

از سوی دیگر، مسابقات ورزشی بین‌المللی به ویژه المپیک مشتمل بر هزاران ورزشکار از سراسر جهان است و ایجاد اختلافات ورزشی در این مسابقات امری اجتناب ناپذیر است. حل و فصل این اختلافات از طریق بخش‌های داوری عادی و پژوهشی CAS مستلزم صرف زمان زیادی است. در حالی که ضروری است این اختلافات سریع حل و فصل شوند و حقوق طرفین تضمین گردد. اهمیت چنین رویداد ورزشی و ضرورت سرعت و دقت در تصمیم‌گیری اختلافات ناشی از آنها باعث شد که در سال ۱۹۹۶ شورا برای اولین بار بخش غیردائمی دیوان (Ad.hoc) را برای مسابقات المپیک آسیا ایجاد نماید. این بخش غیردائمی شامل هیأتی برای حل و فصل سریع اختلافات ایجاد شده در طول مسابقات، در طی ۲۴ ساعت بود. از این سال، برای هر دوره المپیک یک بخش غیردائمی دیوان داوری ایجاد شد. دیوان در اصل برای استماع پرونده‌های مرتبط با المپیک طراحی شده بود، اما دیوان آن را برای ارائه خدمات در زمینه دیگر مسابقات بین‌المللی توسعه داد. شورا بخش‌های غیر دائمی را بعد از سال ۱۹۹۶ م برای دیگر رویدادهای بزرگ ورزشی تأسیس نمود. از جمله مسابقات کشورهای مشترک المنافع (برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ م در کوالالمپور)، مسابقات فوتبال اروپا سال ۲۰۰۰ و المپیک زمستانی ناگوتا سال ۱۹۹۸ م دارای بخش‌های غیردائمی دیوان داوری بودند.

دیوان علاوه بر خدمات داوری و میانجیگری، خدمات مشاوره‌ای نیز با ضوابط خاصی ارائه می‌دهد. خدمات مشاوره‌ای مرتبط با سوالات حقوق ورزشی است. آیین مشورتی یک آیین غیر ترافیعی است و به هیأت‌های ورزشی اجازه می‌دهد که از دیوان درخواست نظرات مشورتی نمایند. نظرات مشورتی دیوان، موضوعات ورزشی که لزوماً دارای ماهیت حقوقی نیستند را بررسی

می‌نماید. شامل نظرات کتبی مقرر شده برای سؤالات حقوقی خاص در مورد پرونده نزد دیوان، که الزام حقوقی ندارد. دیوان نظرات مشورتی را صرفاً بر اساس درخواست فدراسیون‌های بین-المللی، کمیته‌های ملی المپیک یا IOC ارائه می‌دهد. (میوگرام وجان، ۲۰۰۶: ۳۱)

شایان ذکر است، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA) که در سال ۱۹۰۴ م به منظور ایجاد یکپارچگی، برابری و قطعیت در فوتبال در سطح جهان و همچنین ارتقاء بازی در داخل و خارج از زمین تأسیس شد، به منظور تحقق این اهداف مبادرت به تأسیس «کمیته وضعیت بازیکنان» (PSC) به عنوان یک کمیته دائمی نمود که هدفش حل و فصل کلیه اختلافات بین‌المللی فوتبال می‌باشد. فیفا در سال ۲۰۰۱ مبادرت به تأسیس «اتاق حل اختلاف» (DRC) نمود تا حل و فصل برخی از دعاوی مطروحه در PSC مربوط به نقل و انتقالات بین‌المللی فوتبال را بر عهده بگیرد. صلاحیت اتاق حل اختلافات به دعاوی استخدامی دارای بعد بین‌المللی و همچنین اختلافات راجع به حق آموزش و سهم یکپارچگی بسط می‌یابد. (ایان استوارت بلکشاو، ۱۳۹۷: ۱۹۵)

اتاق حل اختلاف فیفا سالانه چند صد پرونده مربوط به فوتبال را رسیدگی و حل و فصل می‌نماید که برخی پرونده‌هایی که حائز اهمیت بوده و برای عموم مردم جذاب هستند بر روی وب سایت قرار می‌دهند.^۱ تصمیمات DRC تنها در چهارچوب قوانین و مقررات فیفا قابلیت اجرایی دارد و اعضای فیفا ملزم به تبعیت کامل از تصمیمات فیفا از جمله تصمیمات DRC هستند.

مقررات نقل و انتقالات (RSTP) منبع اصلی حقوقی برای DRS در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نقل و انتقالات بازیکنان، وضعیت آنها و شایستگی‌های آنها برای شرکت در مسابقات فوتبال سازمان یافته می‌باشد. تکمیل‌کننده مقررات RSTP، قواعد ناظر بر آیین نامه دادرسی PSC و DRC سال ۲۰۱۴ است که از اول آوریل ۲۰۱۵ به مرحله اجرا درآمده است. تصمیمات DRC نزد CAS قابل استیناف است. (همان منبع: ۱۹)

نتیجه‌گیری

مطالعه در باب شناخت سازوکار و علت و معلول رخدادهایی که بر حقوق و تکالیف ورزشکاران، مربیان و داوران و همچنین جامعه ورزشی تأثیر می‌گذارند، تاکنون در کشورمان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که اغلب کشورهای توسعه یافته با بهره‌مندی از مراکز

^۱ - <http://www.Fifa.com/about-fifa/official-documents/governance/dispute-resolution-chamber>

پیشرفته تحقیقاتی و مطالعاتی در حوزه‌های علمی نظیر حقوق ورزشی، گام‌های بلندی را در این زمینه برداشته و سهم مهمی را در مطالبات مرتبط با توسعه در مقیاس محلی، ملی و جهانی داشته‌اند.

یکی از مهمترین موضوعات در بافت بنیادین ورزش، چگونگی رسیدگی به منازعات و حل و فصل اختلافاتی است که در وقایع و حوادث ورزشی بوجود می‌آید. ویژگی ورزش، به خصوص حوادث، مرافعات و اختلافات و همچنین موضوعاتی که به حق در فعالیت‌های ورزشی اتفاق می‌افتد و بخصوص تعیین دقیق زمینه و قوانینی که بر فعالیت‌های ورزشی حاکم هستند، ماهیت مراجع و رسیدگی به آنها را مشخص و ما را به روش درست برای حل و فصل منازعات ورزشی رهنمون می‌سازد.

با بررسی و مطالعه قوانین و مقررات ملی و فراملی راجع به ساختار مراجع قضاوتی در ورزش، مشاهده می‌گردد صرفنظر از مراجع قضایی، متاسفانه در کشور قوانین و مقررات روشن و جامعی جهت استفاده از سایر مکانیزم‌ها و نهادهای رسیدگی به تخلفات انضباطی، رفتارهای مغایر شئون اخلاق ورزشی، حل و فصل منازعات و مرافعات ورزشی بسیار اندک بوده و یا از قوانین و مقررات موجود به وجه درستی استفاده نشده است. منافع مکتسبه جامعه ورزشی در خصوص ایجاد ساختار و مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات از طریق ایجاد مرکز ملی داوری (حکمیت) در ورزش نه تنها بعنوان یک ضرورت می‌تواند دولتمردان را به این سمت و سو هدایت نماید بلکه با توجه به مزایای بسیار زیاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، می‌تواند شرایط و امکانات فراوانی را در محیط حقوق ورزشی کشور و امنیت حقوقی را در جامعه ورزشی ایجاد نماید.

همچنین، تدوین و تصویب قوانین و مقررات به منظور ایجاد سازوکارهای لازم جهت رسیدگی به رفتارهای خلاف شئون و اخلاق ورزشی در کمیته‌های اخلاق و نیز تخلفات ورزشی در کمیته‌های انضباطی فدراسیون‌ها با رعایت اصل دادرسی منصفانه می‌تواند از تضییع حقوق ذینفعان ورزش از جمله ورزشکاران، مربیان، داوران و مدیران ورزشی جلوگیری نماید.

منابع فارسی

کتاب

- استوارت بلکشاو، ایان (۲۰۱۷)، **حقوق بین الملل ورزش: راهنمای مقدماتی**، ترجمه مهرداد محمدی (۱۳۹۸)، تهران، انتشارات خرسندی
- جکسون، راجر (۲۰۱۴)، **راهنمای مدیریت ورزش**، ترجمه محمد خیبری، عباسعلی گائینی، فتح اله مسیبی، ناهید کریمی (۱۳۹۶)، تهران، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوقی**، چاپ اول، جلد ۳، تهران، گنج دانش
- شمس، عبدالله (۱۳۹۶)، **آئین دادرسی مدنی، دوره بنیادین**، چاپ ۴۸، تهران، انتشارات دراک
- مهدی هداوند، علی مشهدی (۱۳۹۳)، **اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری**، تهران، انتشارات خرسندی
- معین، محمد (۱۳۶۰)، **فرهنگ فارسی**، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- محمد امامی، کوروش استوار سنگری (۱۳۹۴)، **حقوق اداری**، تهران، نشر میزان

English References

Books

- Nafziger, JA (2004), **International sport Law**, (2nd ed), Ardsley, NY: Transnational
- Mew, Graeme & Jane Richard, Mary (2006); **More Than Just A Game : Resolving Disputes In Modern Sport**, B. A. (Hons) Law, LL.B., F.C.I. Arb, of the middle Temple and the Ontario Bar, partner, Gowling Lafleur Hendelson LLP, Toronto, Canada, arbitrator, court of Arbitration for sport.

Site

- <https://divan-edalat.ir>
- <https://www.khabaronline.ir/news/582806>
- <https://medall.com>
- <https://www.fifa.com/about-fifa/official-document/governance/dispute-resolution-chamber>
- www.tas/cas.org
- www.magiran.com
- www.mehrnews.com